

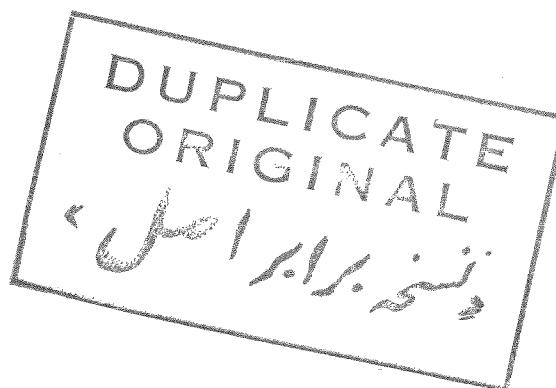
بنام خدا

پرونده شماره ۸۱۴

شعبه یک

حکم شماره ۴۳۰-۸۱۴-۱

| | |
|---------------------------------------|--|
| IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL | دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده |
| FILED - ثبت شد | |
| Date | 28 JUL 1989 |
| ۱۳۶۸ / ۰۷ / ۲۸ | |



الكترونيک سیستمز اینترنشنال، آینک،
خواهان،

- ۹ -
وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران،
سازمان صنایع نظامی،
خواندگان.

نظر مخالف اسدالله نوری در ارتباط با دعوى اول

۱ - من با رایی دیوان در ارتباط با دعوای اول که خوانده (سازمان صنایع نظامی) را محاکوم کرده است مبلغ ۳۰،۵۲۵ دلار بعلاوه بهره از ۳۰ خدادادمه ۱۳۵۸ (۲۰ ژوئن ۱۹۷۹) به خواهان (الکترونیک سیستمز اینترنشنال، آینک.) بپردازد مخالف هستم.

اول - یادآوری بعضی واقعیات

۲ - همانطوری که از رایی صادره بخوبی معلوم می شود، در دعوای اول پرونده حاضر خواهان مدعی شده بود که آخرین محموله سفارش شماره ۱۱۱۷۵-۱۲/۱۴۰۱-۳۳۴ مورخ ۲۹ خدادادمه ۱۳۵۸ (۱۹۷۸/۶/۱۹) سازمان صنایع شامل ۲۵۰۰ عدد آتش زنه آم - ۵۷ به مousسه حمل و نقل تحویل داده بنابراین ثمن حاصل از فروش را مطالبه می نمود.

۳ - همچنین از قسمت "واقعیات و اظهارات" رایی بخوبی برミ آید که خوانده در اول خدادادمه ۱۳۵۸ (۲۲ ماه مه ۱۹۷۹) قبل از شروع ترتیبات ارسال آتش زنهها از طریق بانک مرکزی و مانیوفکچرز هانور تراست بانک ("بانک مانیوفکچرز")، که بانکهای گشاینده و اعلام کننده اعتبار اسنادی بودند، خواسته بود، در صورت موافقت خواهان، سفارش و اعتبار اسنادی مربوطه را نسبت به بقیه سفارش (۲۵۰۰ عدد آتش زنه آم - ۵۷) فسخ نماید.

۴ - بجای اعلام موافقت یا مخالفت با تقاضای خوانده یا ارسال کالا و برداشت از محل اعتبار اسنادی که تا ۹ تیرماه ۱۳۵۸ (۳۰ ژوئن ۱۹۷۹) اعتبار داشت، خواهان ابتدا طی نامه مورخ ۲۵ خدادادمه ۱۳۵۸ (۱۵ ژوئن ۱۹۷۹)، با ارسال اوراقی به عنوان اوراق حمل، مبلغ ۲۷،۴۸۳ دلار امریکا به عنوان خسارت فسخ مطالبه کرد. بعد از این اقدام خواهان با ارسال نامه مورخ ۳۱ خدادادمه ۱۳۵۸ (۲۱ ژوئن ۱۹۷۹) اعلام

نمود که آماده است، به شرط دریافت مبلغ ۲۷،۴۸۳ دلار و فسخ ضمانت نامه حسن انجام کار توسط خریدار، کالاها را در آینده حمل نماید.

۵ - همانطوری که در راعی نیز آمده است بانک مانیوفکچرز به این دلیل که اختیار مذاکره و قبول هزینه فسخ را نداشت از قبول پیشنهاد خودداری ولی مراتب را به اطلاع بانک مرکزی رساند(۱).

۶ - از این تاریخ به بعد، یعنی از تاریخ صدور نامه مورخ ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸ (اول ژوئیه ۱۹۷۹) بانک مانیوفکچرز به خواهان، که یک روز بعد از انقضای اعتبار اسنادی صادر شده بود، سابقه هیچ اقدام دیگری در پرونده ملاحظه نمی شود.

دوم - دلایل مخالفت با راعی

الف - مخالفت با پرداخت اصل خواسته دعوای اول

۷ - من با راعی اکثربت در رابطه با دعوای اول این پرونده مخالف هستم زیرا اکثربت متاعفانه به این موضوع بسیار ابتدایی و ساده توجه نکرده است که در این قسمت از دعوای تصمیم خود را فقط می توانست بر مسئولیت خوانده خارج از اعتبار اسنادی قرار دهد. در چنین وضعیتی دعوای فرضی علیه سازمان صنایع منحصراً" بر این مبنای توانست قرار گیرد که چون حسب ادعا کالاها حمل شده‌اند، خوانده ملزم به پرداخت ثمن معامله می‌باشد، اعم از اینکه در زمان حمل اعتبار اسنادی معتبری وجود داشته یا نداشته باشد. بنابراین در چنین فرضی برای تحمیل هرگونه تعهدی بر دوش خوانده

(۱) اگرچه در نامه مورخ ۱۰ تیرماه ۱۳۵۸ (اول ژوئیه ۱۹۷۹) بانک مانیوفکچرز آمده است که کپی تلکس ارسالی خود به بانک مرکزی در این رابطه را برای خواهان ارسال داشته متاعفانه این تلکس توسط خواهان به هیئت داوری تسلیم نشد و خوانده نیز در جریان رسیدگی اعلام نمود که چنین تلکسی را نتوانسته است در بایکانی خود یا بانک مرکزی ایران پیدا کند.

دیوان ملزم بود قبل از هر چیز احراز کند که کالاهای موضوع اختلاف واقعاً به صورت C&F برای حمل روی کشتی قرار گرفته بودند نه اینکه خود را در نقشی قرار دهد که گویی می‌تواند به صرف مشاهده ظاهر اوراق حملی که بانک حاضر به قبول آنها نبوده است، عمل نموده، ثمن معامله را از جانب خوانده به خواهان پرداخت کند.

۸ - در رابطه با این قسمت از دعوى مدارک موجود در پرونده بخوبی معلوم می‌سازد که پس از طرح پیشنهاد فسخ توسط خوانده، با ایجاب متقابل خواهان متضمن تقاضای دریافت هزینه فسخ و عدم ارائه موقع مدارک لازم که برداشت از محل اعتبار استاندی را میسر می‌ساخت، مدت اعتبار استاندی منقضی شد و روش پرداخت مورد توافق اطراف سفارش و بانک های ذیمدخل به علت اقدامات خود خواهان، بدون امکان تصور قصوری از جانب خوانده، با انقضائ مدت اعتبار استاندی منتفی شد. اگر آنطوری که در بند ۵۶ رایمی ذکر شده است خواهان با تحویل کالاهای به موئسسه حمل و نقل، نه آنطورکه خوانده معتقد است با بارگیری کالاهای روی کشتی طبق شرایط سفارش، و با تسليم مدارک بنحو تنظیمی حق مطالبه ثمن را پیدا می کرد(۲)، در چنان صورتی

(۲) با استناد به شرایط سفارش و اعتبار استاندی مربوطه و همچنین مقررات ناظر به حمل C&F در INCOTERM و مقررات متحدها شکل استاند اعتباری (UCPDC) خوانده معتقد بود که تعهد خواهان با تحویل کالا به موئسسه حمل و نقل خاتمه نمی‌یافتد بلکه وقتی مستحق دریافت ثمن معامله می‌شود که کالا روی کشتی قرار می‌گرفت.

در این رابطه خوانده به عبارت مذکور در اعتبار استاندی مربوطه توجه داشت که پرداخت را منوط به ارسال بموقع برات همراه سری کامل بارنامه‌های بدون قید و شرط (FULL SET OF CLEAN ON BOARD BILL OF LADING) و دیگر مدارک لازم وفق قرارداد، نموده بود.

خوانده همچنین معتقد بود که خطرات ناشی از گم شدن یا از بین رفتن کالاهای نیز از همین زمان به مشتری منتقل می‌شود.

بنابراین اگرچه با توجه به این واقعیات و اینکه بانکها این اوراق و حتی اوراق موئید بارگیری کالا روی Lash barge موئسسه حمل و نقل را در مورد قلم اول از دعوای دوم "حمل" مطابق شرایط سفارش و اعتبار استاندی تلقی ننموده بودند یافته آخرین پاراگراف بند ۵۵ رایی غیرقابل دفاع می‌ماند، معنی‌ذا آنچه در این مختصراً آمده است مرا از بحث تحلیلی در ارتباط با چنین یافته‌ای که در واقع تعهدی را خارج از اعتبار استاندی، ولی با بعضی توجيهات سرسری به آن، برای خوانده قائل شده است، بی نیاز می‌سازد.

دعوی می‌باشد علیه بانکها (حداقل بانک مرکزی) نه سازمان صنایع نظامی مطرح می‌شد چه این خوانده اعتبار استادی را وفق قرارداد تا ۹ تیرماه ۱۳۵۸ (۳۰ ژوئن ۱۹۷۹) معتبر نگهداشته بود. خوانده به هیچیک از دو بانک مرکزی و بانک مانیوفکچررز دستور فسخ اعتبار استادی را نداده بود و پیشنهاد فسخ وی صریحاً مشروط به رضایت خواهان شده بود.^(۳)

دیوان اصلاً^(۴) به این واقعیت توجه نکرده است که اوراق تنظیمی مورخ ۲۵ خردادماه ۱۳۵۸ (۱۵ ژوئن ۱۹۷۹) خواهان اوراق واقعی حمل نبوده منحصراً برای چانه زدن و تحصیل هزینه فسخ در مقابل ایجاب خوانده که مشروط به رضایت خواهان بود، تهیه و تنظیم شده بودند. والا چگونه ممکن است که اوراق حمل در ۲۵ خردادماه ۱۳۵۸ (۱۵ ژوئن ۱۹۷۹) صحیحاً تنظیم و کالاهای مورد سفارش عمل^(۵) روی کشتی بار یا حتی به مؤسسه حمل و نقل تحويل شده باشند در حالی که در حدود یک هفته بعد (در تاریخ ۳۱ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۱ ژوئن ۱۹۷۹]) فروشندۀ از پیشنهاد حمل کالاها در آینده، به شرط قبول بعضی اقدامات توسط خریدار، با بکارگیری عبارتی مثل "حمل خواهد کرد" سخن به میان آورد یا اعلام آمادگی کند که "علیرغم لغو (اعتبار استادی) مابقی کالاها را بفرستد". (به بندهای ۸-۹ و ۱۱ رأی اکثريت نيز توجه شود).

۹ - دیوان نمی‌تواند، بدون انتساب قصوری به خوانده، که با تعهد وی به گشایش اعتبار استادی و معتبر نگهداشتن آن در مدت مقرر مرتبط باشد، در عین شناخت مسئولیت برای وی در خارج از حیطه^(۶) اعتبار استادی، مجدداً به شرایط اعتبار استادی استناد کند و مدعی شود که چون اموال را خواهان به یک مؤسسه حمل و نقل تحويل داده بود، خوانده متتعهد است علیرغم تفاق خاص اطراف دعوا راجع به نحوه پرداخت و در غیاب عمل ناقض آن روش خاص از جانب خوانده، از محلی خارج از اعتبار استادی ثمن معامله را بپردازد. در چنین وضعی است که به نظر من دیوان می‌باشد، برای اثبات ادعای حمل، مدارک و دلایل محکم‌تری را لازم تشخیص می‌دارد.

(۳) بانک مرکزی جمهوری اسلامی خوانده این پرونده نبوده است.

در مقابل ایرادات مکرر خوانده مبنی بر نداشتن اطلاع از اقدامات تحویل کالاها برای حمل و انکار حمل و دریافت کالاهای هیچ مدرکی در پرونده وجود ندارد تا ثابت کند که کالاهای موضوع دعوای اول مانند کالاهای ارسالی با کشتی سام هیوستن که دیوان در همین پرونده به سرنوشت آنها و روش و عملکرد خواهان و خوانده در آن رابطه واقع بوده است، واقعاً حمل شده‌اند. در این پرونده ادعای شفاهای "کتاب" راجع به این که کالاهای واقعاً روی کشتی برای حمل به مقصد ایران قرار گرفته بودند به عمل نیامده است چه رسد به اینکه ثابت شود کالاهای ایران حمل و در بندری در این کشور تخلیه شده‌اند.

۱۰ - با توجه به اینکه مدت اعتبار اسنادی مربوط به این قلم از دعوی منقضی شده بود و با توجه به سابقه عملکرد طرفین در ارتباط با کالاهای ارسالی توسط کشتی سام هیوستن دیوان می‌بایست وسوس بیشتری برای احراز حمل کالاهای روی کشتی وارسال به مقصد مورد نظر در ایران، از خود نشان می‌داد.

اگر کالاهای موضوع دعوای اول واقعاً به ایران حمل شده بود قطعاً خوانده همانگونه که مبلغ ۶۷۶،۱۹۲ دلار بابت تحویل کالاهای ارسالی توسط کشتی سام هیوستن را پس از انقضای اعتبار اسنادی مربوط در ۳۰ مردادماه ۱۳۵۸ (۲۱ اوت ۱۹۷۹) پرداخت کرد از پرداخت رقم ناجیز ۵۲۵،۳۰۰ دلار سرباز نمی‌زد.

۱۱ - حتی اگر قرار می‌بود دیوان مسؤولیتی تحت سفارش و اعتبار اسنادی منقضی شده، برای خوانده قائل شود قبل از هر چیز می‌بایست به شرایط آن اسناد توجه می‌نمود.

تبصره ۱ بند "ب" ماده ۱۰ شرایط سفارش مقرر می‌داشت که فروشنده باید:

"نام و آدرس کامل نماینده^۶ ارسال کننده و یا حمل کننده [کالا] مقیم

ایران را پس از ارسال کالاها از طریق تلکس اعلام دارد.^(۴)

خواهان مدعی نشده است و مدرکی نیز در پرونده وجود ندارد که ثابت کند وی در هیچ دوره‌ای نسخه‌ای از اوراق حمل را برای خریدار ارسال نموده یا وفق تعهدی که بر عهده داشته است تلکس یا اعلامیه‌ای را که حاکی از بارگیری کالاها یا ارسال آنها باشد برای خوانده مخابره یا ارسال کرده باشد. اهمیت این موضوع در رابطه با ایفای تعهدات طرفین وقتی معلوم می‌شود که توجه کنیم که خواهان در ارتباط با اقلام ارسالی توسط کشتی سام هیوستن اطلاعات لازم را به خوانده داد و خوانده با دریافت کالاها ثمن معامله را، علیرغم منقضی شدن اعتبار اسنادی مربوط به آن معامله، به خواهان پرداخت نمود.

نکته شایان توجه دیگر اینکه اصول اوراق حمل ادعایی را خواهان در جلسه استماع همراه خود داشت در حالی که اگر ادعاهای خواهان درست می‌بود این اوراق علی‌الاصول می‌باشد در اختیار بانک مانیوفکچررز یا بانک مرکزی قرار می‌داشتند.
(به بند ۵۶ رأی مراجعه شود.)

۱۲ - دیوان همچنین در این رأی بین یافته‌های خود هماهنگی و انسجام لازم را برقرار ننموده به عبارت دیگر یکسان عمل نکرده است. بدین معنی که اگرچه در رد قلم

(۴) به بند ب ماده ۷ شرایط سفارش خرید (زیرنویس ۱ رأی) و ماده ۱۱ آن (زیرنویس ۲ رأی) مراجعه شود. این تعهد همچنین بموجب مقررات INCOTERM که حاکم بر روابط طرفین تلقی شده بود، بر عهده فروشندۀ بار شده است:

الف = فروشنده باید:

۴- به هزینه خود کالاها را در بندر مبدأ روی کشتی بارگیری کند... و بدون تأخیر به خریدار اطلاع دهد که کالاها بر روی کشتی بار شده‌اند.

اول از دعوای دوم یافته خود را صحیحاً بر سه مدرک بسیار با اهمیت، یعنی (۱) تلکس مورخ ۲ مردادماه ۱۳۵۸ (۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹) خواهان به خوانده، (۲) نامه مورخ ۸ مردادماه ۱۳۵۸ (۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹) خواهان به کاردار وقت سفارت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن و (۳) بالاخره پاسخ مورخ ۳۰ مهر ماه ۱۳۵۸ (۲۲ اکتبر ۱۹۷۹) سفارت به خواهان، قرار داده است، اثر همان استناد را، که کاملاً با دعوی اول این پرونده نیز ذیربسط هستند، در ارتباط با این قسمت از دعاوی فراموش نموده است.

۱۳ - تلکس مورخ ۲ مردادماه ۱۳۵۸ (۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹) خواهان به بالاترین مقام وقت سازمان خوانده حکایت دارداز اینکه خواهان فقط یک طلب، یعنی ثمن محمولات حمل شده تحت قلم اول دعوی دوم، برای خود قائل بوده است، که همانطوری که در رایی آمد و در اینجا نیز باختصار گذشت در ماه اوت تسویه شد.

نامه مورخ ۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ (۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹) نیز نامه‌ای است که مدیر عامل و سپاهدار اصلی شرکت الکترونیک سیستمز اینترنشنال اینک به کاردار وقت سفارت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن نوشته در آن تنها از وجود یک اختلاف و یک محموله حمل شده به ارزش ۱۹۲،۶۷۶ دلار صحبت نموده است.

بالاخره، نامه دفتر حقوقی سفارت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن مورخ ۳۰ مهرماه ۱۳۵۸ (۲۲ اکتبر ۱۹۷۹) سندی است که می‌بایست، در جمع با دو مدرک دیگر، بر تمام این اختلافات نقطه پایان می‌گذشت. در این نامه ضمن تائید اینکه خوانده ترتیب پرداخت مبلغ مورد ادعا را از طریق بانک مرکزی داده است، از مدیر عامل شرکت خواهان تقاضا شده بود:

"چنانچه در مورد مسائلی دیگر کمک دیگری از ما برآید، لطفاً" در

تماس با ما کوتاهی نفرماید."

خواهان با دریافت این نامه و وجه ۶۷۶،۱۹۲ دلار مطالبه شده هیچ ادعایی را در هیچ زمینه‌ای تا زمان ثبت دادخواست مطرح ننمود. در یک چنین وضعیتی غیرقابل درک است که چگونه همکاران من توانسته‌اند خود را آنطور که در راءی آمده است متقادع سازند که خوانده را به پرداخت مبلغ ۳۰،۵۲۵/- دلار بابت کالاهایی که حمل و تحويل آنها باثبتات نرسیده محکوم کنند.

ب - مخالفت با پرداخت بهره و تاریخ شروع احتساب آن

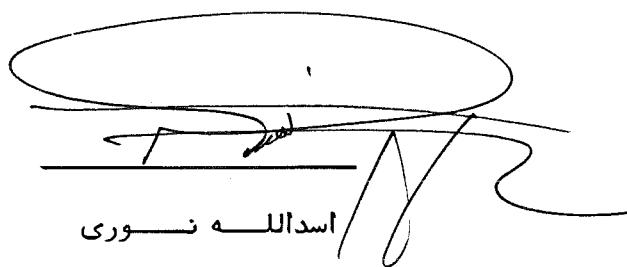
۱۴ - من همچنین با پرداخت بهره به نفع خواهان مخالف هستم. دلایل مخالفت خود را قبلًا در بندهای ۴۵-۴۶ نظرمخالفم در پرونده اگرواستراکتاینترنشنال، اینکورپوریتد راءی شماره ۱۹۵-۳۵۸ بعنوان موجز بیان کردہ‌ام و قصد تکرار آنها را در این جا ندارم.

علاوه بر مخالفت اصولی خود با پرداخت بهره، بهر میزان و از هر تاریخی که محاسبه شود، من نتوانسته‌ام مبنای موجبی برای تعیین تاریخ ۳۰ خردادماه ۱۳۵۸ (۲۰ ژوئن ۱۹۷۹) بعنوان تاریخ شروع بهره پیدا کنم. در پرونده‌ای که هیچ مطالبه‌ای از خوانده آن از بابت اصل دین تا روز ثبت دادخواست نشده است و تا روز صدور راءی شک و تردید اساسی نسبت به استحقاق خواهان وجود داشته و تا آن تاریخ ادعا به یک حق مسلم قابل مطالبه تبدیل نگشته بود، حکم پرداخت بهره از ۳۰ خردادماه ۱۳۵۸ (۲۰ ژوئن ۱۹۷۹) به هیچ وجه قابل توجیه نیست. دیوان در موارد مشابه از تاریخ صدور راءی حکم به احتساب بهره داده است و به نظر من در رابطه با این پرونده نیز می بایست به همین ترتیب عمل می‌شد. در غیر اینصورت دیوان می توانست با توجه به اینکه مطالبه اصل ادعا فقط اولین بار با دادخواست صورت

گرفته بود و تا قبل از ثبت دادخواست خوانده هیچ اطلاعی از ادعای تحويل یا ارسال کالاهای نداشت، احتساب بهره را از تاریخ ثبت دادخواست جاری تلقی نماید.
(ریلاینس گروپ، اینک و شرکت ملی نفت ایران به شماره ۳۱۵-۱۱۵-۳ بند ۶۸ ،
هواردنیدلز تامن اند برگندوف و جمهوری اسلامی ایران و دیگران به شماره
۲۴۴-۶۸-۲ بند ۱۴۹، 11, Iran-U.S. C.T.R. 302 para. 149 ، ایالات متحده از
طرف لینن، فورتنبری اند اسوشیتس اینک و جمهوری اسلامی ایران و سایرین رای
شماره ۳۷۲-۱۰۵۱۳-۲ بند ۳۵ و ایالات متحده از طرف خانم اویال اچ. ستر و
شرکت توانا و سایرین رای شماره ۳۶۳-۱۱۳۷۷-۲ بند ۵)

لاهه،

ع.بیدا بد ماه ۱۳۶۸ برابر با ۲۸.۰۷.۱۹۸۹



A handwritten signature in black ink, consisting of a large oval above a stylized line, followed by a signature below it. Below the signature, the name "اسدالله نوری" is written in Persian script.

